

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۰، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۶۱۷ تا ۶۳۸

بررسی تطبیقی برخی از مفاد گزارش‌های گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران با نظام حقوقی ایران

مصطفی فضائلی*

دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم

مسعود احسن‌نژاد

(Email: Masoud_ahsannejad@yahoo.com)

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵)

چکیده

وضعیت حقوق بشر در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه کمیسیون حقوق بشر و جانشین آن، شورای حقوق بشر قرار گرفت. تاکنون سه گزارشگر ویژه کشوری به اسامی احمد شهید، اسماء جهانگیر و جاوید رحمان از سوی شورای حقوق بشر به‌عنوان گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین شده‌اند که در مجموع هفت دوره گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی ارائه کرده‌اند. فارغ از بحث‌های سیاسی پیرامون انتصاب گزارشگر ویژه و ادعان به موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در خصوص غیرقابل قبول بودن چنین مأموریتی به دلیل سیاسی و گزینشی بودن چنین اقدامی و مفاد گزارش‌ها بنابر اتخاذ استانداردهای دوگانه، رویکرد جانب‌دارانه و عدم رعایت رفتارنامه شورای حقوق بشر، در این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش مهم هستیم که چه نسبتی میان گزارش‌های گزارشگران ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران با نظام حقوقی ایران وجود دارد. فرضیه مقاله ضمن تطبیق برخی از مفاد گزارش‌ها با نظام حقوقی ایران بر این اساس استوار است که نسبت موجود چالشی است؛ به این نحو که در برخی موارد شدت چالش به‌حدی است که نمی‌توان انتظار انطباق میان گزارش‌ها با نظام حقوقی ایران را داشت. این موارد با عنوان چالش‌های متوجه مبانی نظام حقوقی ایران مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در موارد دیگر چالش‌های ضعیف‌تری را شاهد هستیم که این موارد عدم انطباق ناشی از سوء اجرای قانون اساسی یا نقیصه‌های موجود در برخی قوانین عادی است.

واژگان کلیدی

انطباق یا عدم انطباق با نظام حقوقی ایران، شورای حقوق بشر، گزارشگران ویژه.

مقدمه

به لحاظ تاریخی در سال ۱۹۶۷م با اقدام کمیسیون حقوق بشر بر تأسیس کارگروه موقت بررسی وضعیت حقوق بشر در افریقای جنوبی (Ad Hoc Working Group to inquire into the situation of human rights in southern Africa) بود که رویه‌های ویژه (Special Procedures) به‌طور رسمی جزء مأموریت‌های کمیسیون و بعدها شورای حقوق بشر قرار گرفت (Limon & Power, 2014, p. 3). این شورا بر مبنای قطعنامه ۶۰/۲۵۱ سعی بر تعریف مأموریت خود بر مبنای ابزارهای به‌جامانده از دوران کمیسیون حقوق بشر نمود (مختاری، ۱۳۹۳، ص ۱۹۳). به تعبیر کوفی عنان، دبیر کل فقید سازمان ملل متحد، رویه‌های ویژه «جواهرات پادشاهی یا گنجینه اصلی» نظام حقوق بین‌الملل بشر به حساب می‌آیند (Freedman & Mchangama, 2016, p. 165). رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر عبارت است از کارشناسان مستقل حقوق بشری که وظیفه دارند در خصوص حقوق بشر از منظر موضوعی یا کشوری، گزارشی یا توصیه‌ای به شورای حقوق بشر یا در صورت درخواست به مجمع عمومی ارائه نمایند. بر اساس شواهد و عملکرد، سازوکار رویه‌های ویژه، ویژگی‌هایی خاص و انحصاری نسبت به سایر ابزارها و گروه‌های کاری شورا داشته که مهم‌ترین آن فراگیری نظارت‌های حقوق بشری، اعزام گزارشگران موضوعی و کشوری در حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی شهروندان است (ذاکریان و مختاری، ۱۳۹۳، ص ۶۲). رویه‌های ویژه عنصر اصلی مکانیزم حقوق بشر ملل متحد است که همه حوزه‌های حقوق بشری اعم از مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد. تا اول آگوست ۲۰۱۷، ۴۴ مأموریت موضوعی و ۱۲ مأموریت کشوری در شورای حقوق بشر ایجاد شده است. موضوعاتی نظیر بازداشت خودسرانه، حقوق فرهنگی، حق توسعه، حق آموزش، اعدام‌های فراقضایی، مدافعان حقوق بشر، فقر، اقلیت‌ها، شکنجه، قاچاق اشخاص، هویت و گرایش جنسی، اقدامات قهرآمیز یک‌جانبه از جمله عناوین مأموریت گزارشگران ویژه است که در قالب گزارشگر ویژه، کارشناس مستقل و کارگروهی از کارشناسان پیرامون آن موضوع فعالیت می‌کنند. کشورهای نظیر بلاروس، کره شمالی، اریتره، ایران، سرزمین‌های اشغالی فلسطین و میانمار دارای گزارشگران ویژه کشوری هستند که آنان در قالب گزارشگر ویژه و کارشناس مستقل در شورای حقوق بشر فعالیت می‌کنند (Special Procedures of the Human Rights Council, 2017). در زمان کمیسیون حقوق بشر سه گزارشگر از سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۲م برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران منصوب شدند. کمیسیون حقوق بشر پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در آوریل ۲۰۰۲ کمیسیون ایران را به اتهام نقض حقوق بشر محکوم نکرد. دلیل این امر در کاردهای مثبت و رعایت مقررات منطبق با انتظارات کمیسیون از سوی مسئولان کشور و

همچنین عدم حضور نماینده آمریکا دانسته شده است (آقایی، ۱۳۸۲، ص ۳۲). شورای حقوق بشر طی قطعنامه‌ای که در ۲۴ مارس سال ۲۰۱۱ به تصویب رسید، به راه‌اندازی مجدد مأموریت گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران اقدام نمود (A/HRC/RES/16/9). از آن تاریخ تاکنون سه گزارشگر ویژه به اسامی احمد شهید، اسماء جهانگیر و جاوید رحمان از سوی شورای حقوق بشر به‌عنوان گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین شده‌اند که در مجموع تاکنون هفت دوره گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی ارائه نموده‌اند. همواره در قطعنامه‌های شورای حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران^۱، از جمهوری اسلامی ایران درخواست شده است که همکاری همه‌جانبه‌ای با گزارشگر ویژه داشته باشد؛ از جمله اینکه به وی اجازه بازدید از کشور و گردآوری اطلاعات لازم برای انجام مأموریتش را بدهد (A/HRC/RES/37/30). جمهوری اسلامی ایران نیز همواره اقدام شورای حقوق بشر مبنی بر انتصاب گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و همچنین سایر کشورها را مغرضانه تلقی کرده، آن را حاصل اقدام سیاسی و گزینشی شورای حقوق بشر می‌داند که عامل جداسازی یک کشور بر اساس انگیزه‌های سیاسی است (A/HRC/WG.6/20/IRN/1). شایان ذکر است، جمهوری اسلامی ایران مکانیزم سازوکار بررسی ادواری جهانی یا UPR را بهترین مکانیزم برای بررسی وضعیت حقوق بشر در تمام کشورها بر مبنای تساوی و با مشارکت کامل کشور ذی‌ربط می‌داند و با ایجاد مأموریت گزارشگر ویژه کشوری که ناشی از اتخاذ سیاست‌ها و استانداردهای دوگانه و رویکرد جانب‌دارانه در راستای حمایت و ارتقای حقوق بشر می‌باشد، مخالفت کرده است.^۲ افزون بر این، واکنش رسمی جمهوری اسلامی ایران به گزارش سوم احمد شهید این بود که گزارش وی را مغایر رفتارنامه شورای حقوق بشر در مورد نحوه تهیه گزارش دانسته و آن را فاقد اصول مربوط به بی‌طرفی و مستند بودن عنوان کرده است (امیدی و پوربافرانی، ۱۳۹۵، ص ۵۸۷).

۱. در خصوص قطعنامه‌های شورای حقوق بشر شایان ذکر است، هرچند تصمیمات و مصوبات شورای حقوق بشر همانند کمیسیون حقوق بشر و نیز قطعنامه‌های مجمع عمومی به لحاظ ماهوی از جنبه توصیه‌ای برخوردار است و برای دولت‌ها جنبه الزام‌آور حقوقی ندارد، اما باید به این مهم توجه نمود که این‌گونه تصمیمات در بستر زمان، رویه، عرف و به تبع آن، اصول حقوق بین‌الملل را ایجاد خواهند نمود. بنابراین هیچ حکومتی نمی‌تواند با خشنودی به استقبال قطعنامه‌ای در سازمان ملل متحد برود که اقدامات آن را در عرصه بین‌الملل محکوم می‌کند (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۴۱).

۲. سازوکار بررسی ادواری جهانی که حقوق بشر را در تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد در دوره‌ای چهار ساله بررسی می‌کند، فرایند منحصر به فردی است که برای همه دولت‌ها فرصتی را فراهم می‌سازد تا اقداماتی را که برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورهای خود انجام داده‌اند، اعلام کنند و تعهدات خود را در زمینه حقوق بشر عملی سازند (عباس‌زاده و شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۷۰۴).

دامنه نقض‌های ادعایی گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر از گستره نسبتاً بالایی برخوردار است. درحالی که برخی از نقض‌های ادعایی به صورت موردی مطرح شده‌اند، مانند حبس و اعدام برخی از افراد یا تصویب برخی از قوانین، بعضی از موضوعات نیز در گزارش‌ها بارها آمده‌اند؛ از جمله این موضوعات، برخورد با گروه‌های همجنس‌باز، دوجنسیتی و تغییر جنسیت داده، موضوع اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه بهائیان، موضوع اقدام علیه امنیت ملی، اعدام نوجوانان، تفاوت دین زن و مرد، حق بر تجمعات صلح‌آمیز، درصد بالای آمار اعدام در ایران و نپیوستن ایران به برخی از اسناد حقوق بشری نظیر کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز است. در مقاله حاضر مباحث مطرح در گزارش‌های گزارشگران در سه بخش تحت عناوین چالش‌های ناشی از مبانی نظام حقوقی ایران، چالش‌های ناشی از سوء اجرای قانون اساسی و چالش‌های ناشی از نقض قوانین عادی که در گزارش‌های گزارشگران ویژه واجد اهمیت بودند، بررسی شده‌اند. باید اشاره داشت که موضوعاتی که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت، تنها بخشی از چالش‌هایی است که در هر کدام از سه مورد یادشده سعی در انطباق آن‌ها با نظام حقوقی ایران نموده‌ایم.

چالش‌های ناشی از مبانی نظام حقوقی ایران؛ عدم انطباق مبانی نظام حقوقی ایران با نظام بین‌الملل حقوق بشر

۱. طرح بحث

حقوق بین‌الملل بشر با قرائت خاصی که از آن برخوردار است در برخی از بخش‌های محتوایی و مبنایی خود با نقد مکاتب فلسفی و ادیان مختلف مواجه شده است. این عامل خود موجب گردیده است دولت‌های برخوردار از مبانی دینی و فلسفی نتوانند اقدامات خود را با موازین حقوق بین‌الملل بشر که برگرفته از دیدگاه‌های لیبرالیستی است، منطبق سازند. بر اساس مبانی اسلامی، حق‌های بشری موضوعه از سوی دولت‌ها هرگز نخواهند توانست ویژگی جهان‌شمولی واقعی و دائمی بودن برای همهٔ ابنای بشر در همه اعصار را حاصل کند. چراکه حق‌های موضوعه از سوی اندیشمندان و رهبران دولت‌ها بر اساس دانش نسبی و علائق گذرای آنان استوار است. بنابراین برای اینکه حقوق بشر متصف به دو صفت یادشده گردد لازم است وضعی داشته باشد که جامع دانش‌ها و آگاه به حقیقت حق‌ها باشد و او کسی نیست جز خداوند (Alfaruqi, 1983, p. 12). چالش‌هایی که حقوق بین‌الملل بشر معاصر با مبانی لیبرالیستی و اومانستی آن ایجاد کرده است، صرفاً متوجه دولت‌های اسلامی نیست و در میان سایر نحلّه‌ها در دیگر مناطق جهان نیز چالش‌ساز شده است. برای نمونه در میان کشورهای آسیایی - کمونیستی نیز این

چالش مبنایی وجود دارد که حقوق بشر فردگرایی غربی قادر نیست در این کشورها که حقوق اجتماع بر حقوق فرد اولویت دارد، پاسخگوی این جوامع باشد (Bauer & Bell, 1999, p. 6). در غرب نیز محافظه‌کاران از برتری لیبرالیسم حق‌مدار و تهدید هنجارهای سنتی هراسناک‌اند و محافظه‌کاران مذهبی نگران تحت‌الشعاع قرار گرفتن هنجارهای تکلیف‌مدار دینی هستند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵). وجود این تفاوت‌های مبنایی خود عاملی برای غنی‌تر شدن حقوق بین‌الملل بشر معاصر نیز شده است. به این نحو که نسل اول حقوق بشر که تأکید عمده‌اش بر حق‌های سیاسی-مدنی است، عمدتاً محصول تلاش کشورهای غربی بوده و نسل دوم حقوق بشر دایر بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در دهه ۶۰ قرن بیستم میلادی در اثر فشار کشورهای سوسیالیستی ایجاد شده است.

چالش‌های ناشی از مبنایی نظام حقوقی ایران در گزارش‌های گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران نیز سهم نسبتاً عمده‌ای را به خود اختصاص داده و در این خصوص مهم‌ترین اتهامات وارده بر نقض حقوق بشر در ایران نیز مربوط به این حوزه است. با توجه به توصیفات یادشده، به بررسی برخی از ادعاهای گزارشگران ویژه خواهیم پرداخت که به لحاظ مبنایی با نظام حقوقی ایران در تعارض هستند.

حقوق بین‌الملل بشر با ویژگی قراردادی خود تفسیر متفاوتی از مذهب نسبت به نظام‌های مبتنی بر مبنایی ایدئولوژیک و دینی ارائه نموده است. این موضوع نیز در گزارش‌های گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران نیز بارها تکرار شده است. به فراخور این بحث ابتدا به بررسی موضوع اقلیت‌های مذهبی پرداخته می‌شود و سپس اقلیت‌های جنسی مورد ادعا در گزارش‌ها بررسی خواهند شد.

۲. اقلیت‌های مذهبی

یکی از پرکارترین موضوعات مطروحه در گزارش‌های گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، موضوع وضعیت اقلیت‌های مذهبی در این کشور است. در این میان آنچه توجه گزارشگران ویژه را بیشتر به خود جلب کرده، وضعیت بهائیان است که با حساسیت خاصی به این موضوع پرداخته‌اند و شرایط آنان در ایران را بر مبنای گزارش‌های دریافتی خود «تحت تبعیض نظام‌مند، آزار و اذیت توصیف کرده و بیان می‌دارند که پیروان این فرقه مغازه‌هایشان پلمپ و به منازلشان آتش گشوده شده و مورد بازداشت خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری در دوران بازداشت و تبعیض در دوران تحصیل در دانشگاه قرار می‌گیرند» (A/HRC/37/68). همین وضعیت کم و بیش نسبت به پیروان یارسان (اهل حق) و درویش‌ها نیز ادعا شده است. به‌هرحال، یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در گزارش‌های

گزارشگران، همین موضوع اقلیت‌های مذهبی است؛ زیرا برابر اصول ۴ و ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعطای حقوق به شهروندان و کلیه قوانین کشور باید مبتنی بر شریعت اسلامی باشد (طباطبایی حصارى و آذرى، ۱۳۹۶، ص ۲). عدم انطباق مبنایی میان نظام حقوقی ایران که مبتنی بر شریعت اسلامی است^۱ با نظام حقوق بین‌الملل مانع از آن است که ایران بتواند در زمینه شناسایی ادیان و مذاهب مختلف با آزادی گسترده‌تری که در نظام حقوق بین‌الملل وجود دارد، عمل نماید. لذا شناسایی ادیان و مذاهب باید در چارچوب آموزه‌های اسلامی صورت گیرد که در قانون اساسی ج.ا.ایران به صورت احصایی بیان شده است. اصل ۱۳ قانون اساسی این‌گونه اشعار می‌دارد: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند». این اصل مشخص‌کننده موضع جمهوری اسلامی ایران در مورد انجام آزادانه و علنی مراسمات دینی است که بر اساس شریعت اسلام جایز دانسته شده و اقلیت‌های یادشده از آن برخوردارند. لذا چون بهائیان مورد شناسایی قانون اساسی به‌عنوان اقلیت دینی نیستند، طبیعتاً بر این مبنا نمی‌توانند به اجرای علنی رسومات خود نیز بپردازند و از این دایره خارج‌اند. در حقوق بین‌الملل هیچ‌گونه تعریف قابل قبول عامی از مذهب ارائه نشده است. از دید تاریخی نیز تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵م را می‌توان به‌عنوان نقطه اوج سکولار و پوزیتیویست شدن حقوق بین‌الملل نوین دانست، چراکه هیچ‌یک از مقررات آن به مذهب به‌عنوان منبع حقوقی یا هنجاری حقوق بین‌الملل ارجاع نمی‌دهد؛ مگر آنجا که می‌خواهد ممنوعیت تبعیض بر اساس دین یا مذهب را منسوخ بدارد (Baderin, 2009, p. 641).

در اسناد بین‌المللی به مذهب از دریچه آزادی برای انجام آیین‌های مذهبی و انتخاب مذهب توجه شده است. برای نمونه ماده ۱ اعلامیه محو همه اشکال نارواداری و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده، این‌گونه آمده است: «هرکس حق دارد از آزادی اندیشه و مذهب برخوردار باشد؛ که این حق آزادی و ابراز عقیده و مذهب به صورت فردی یا جمعی، چه به نحو آشکار یا پنهانی از طریق انجام آیین مذهبی و آموزش مذهب است». میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بعد از اینکه در ماده

۱. اصل ۱۲ قانون اساسی: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

۱۸ آزادی مذهب را به رسمیت می‌شناسد، در ماده ۲۷ این‌گونه اشعار می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های... مذهبی وجود دارد، اشخاص متعلق به این اقلیت‌ها را نمی‌توان از حق تشکیل اجتماعات با اعضای گروه خود و بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار و انجام و ... خود محروم نمود». کمیته حقوق بشر در بند دوم نظریه تفسیری شماره ۲۲ خود در سال ۱۹۸۱م یادآور می‌شود که حقوق مورد حمایت در بند یک حقوق مدنی و سیاسی قبول وجدان و پذیرش مذهب را بیان می‌کند. کمیته حقوق بشر مذهب را به‌عنوان باورهای خداپاورانه یا غیرخداپاورانه یا ضدخداپاورانه مطرح می‌کند و این مربوط به مذاهب سنتی و باورهای ویژه‌ای که باعث نهادینه شدن آن می‌شوند، نیست (بیگدلی، ۱۳۹۵). بنابراین در حقوق بین‌الملل آزادی دین یا مذهب شامل اجزای زیر است: ۱. هرکس از حق آزادی دین برخوردار است؛ ۲. آزادی دین شامل حق داشتن یا پذیرش دین و حق ابراز دین است؛ ۳. آزادی دین محدود به ادیان سنتی نیست و شامل هر اعتقادی است؛ ۴. ابراز دین می‌تواند به شکل فردی یا گروهی باشد؛ ۵. ابراز دین می‌تواند به شکل مخفی یا علنی باشد؛ ۶. جلوه‌های ابراز دین متنوع است و محدود به شکل خاصی نیست؛ ۷. دولت‌ها وظیفه دارند حق آزادی دین را تضمین کنند و اعمال هیچ‌گونه اکراهی در مقابل حق آزادی دین، مجاز نیست (سودمندی و شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

در اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر اسلامی به موضوع آزادی مذهب نگرش متفاوتی وجود دارد. در ماده ۱۰ این اعلامیه منظور از آزادی مذهب، ممنوعیت هر نوع اعمال فشار یا سوءاستفاده از فقر یا جهل به‌منظور واداشتن کسی به تغییر دین خود یا ملحد شدن است. بر این اساس به صورت تلویحی بر ممنوعیت تغییر دین از سوی مسلمانان اشاره شده است؛ هرچند تغییر دین از سوی غیرمسلمانان به اسلام ممنوع نیست (Mayer, 1994, p. 333).

موضوع آزادی مذهب در ایران به گزارش‌های گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران محدود نیست و در سؤالات از ایران در یو پی آر شورای حقوق بشر نیز بارها و به‌ویژه در مورد پیروان فرقه بهائیت تکرار شده است. در سؤالات منتج به اولین گزارش ملی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۹م، دولت‌های لیختنشتاین و سوئد به طرح سؤال در این مورد پرداخته بودند و در سؤالات مربوط به دومین گزارش سال ۲۰۱۴م دولت بلژیک طراح سؤال در این خصوص بود^۱ (Universal Periodic Review - Iran (Islamic Republic Of), 2014).

۱. سؤال دولت بلژیک به این نحو مطرح شده بود: در سال‌های اخیر نقض‌های فزاینده‌ای در زمینه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیروان بهائیت که تشکیل‌دهنده بزرگترین اقلیت مذهبی ایران‌اند، رخ داده است. پیروان بهائیت رسماً مورد هدف اعمالی چون آزار و اذیت، تبعیض بر مبنای مذهب، ممانعت از تحصیل و ... بوده‌اند، دولت ایران به چه نحوی می‌خواهد به این شکل از تبعیض مذهبی نهادینه‌شده که مغایر با تعهدات آن به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، خاتمه دهد؟

رویکرد ایران در قبال حقوق اقلیت‌های مذهبی شناسایی نشده در قانون اساسی در گزارش بررسی ادواری جهانی (UPR) و همچنین پاسخ‌های متوالی به گزارش‌های منتشر شده در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران از سوی گزارشگران ویژه و دبیرکل در دو محور ارائه شده است. نخست اینکه ایران با بیان اینکه تفتیش عقاید طبق اصل ۲۳ قانون اساسی ج.ا.ا. ایران ممنوع است، به بیان این نکته می‌پردازد که هرکسی مجاز به داشتن هر نوع باور مختص به خود است و دیگر اینکه این دسته از اقلیت‌های مذهبی را مشمول حقوق شهروندی می‌داند و بر این اساس مدعی است که محکومان فارغ از باور مذهبی به دلیل ارتکاب جرایم در حبس‌اند و لذا مانند سایر مجرمان همه موازین اجرای عدالت در مورد محکومان منتسب به اقلیت‌های مذهبی شناسایی نشده در قانون اساسی نیز رعایت می‌شود (A/HRC/WG.6/20/IRN/1).

۳. اقلیت‌های جنسی

از دیگر مواردی که چالش بنیادین با نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد و در گزارش‌های گزارشگران ویژه نیز مورد توجه قرار گرفته، موضوع چگونگی برخورد ایران با گروه‌های موسوم به LGBTI است که از آنان با عنوان اقلیت‌های جنسی نیز یاد می‌شود. این گروه‌ها شامل همجنس‌بازان (Lesbian & Gay)، دوجنس‌گراها (Bisexual)، ترانجسیتی‌ها (Transgender) و دوجنسه‌ها (intersexual) می‌شوند. گزارشگران ویژه بر این باورند که اقلیت‌های جنسی در ایران مورد تعرض، آزار و اذیت و مجازات‌های ظالمانه قرار می‌گیرند و حق‌های اساسی آنان نادیده انگاشته می‌شود (A/HRC/22/56). افزون بر این، گزارشگران ویژه قانون مجازات اسلامی را از این جهت که به جرم‌انگاری روابط جنسی مبتنی بر تراضی طرفین اعم از همجنس و غیرهمجنس پرداخته، مورد انتقاد قرار داده و نیز ابراز نگرانی کرده است که جرم‌انگاری روابط جنسی همجنسان ممکن است ناقض حق‌های اساسی بشری از جمله حق حیات، حق آزادی، حق بر عدم تبعیض و همچنین حق بر مورد حمایت قرار گرفتن در برابر دخالت‌های غیرمعمول بر حریم خصوصی باشد که در اسناد حقوق بشری به‌ویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده‌اند (A/HRC/22/56). گزارشگر ویژه مدعی است که حقوق بین‌الملل، حق‌های بشری همه گروه‌ها از جمله اقلیت‌های جنسی را به‌طور شفاف مورد حمایت قرار داده است و از این‌رو از ایران می‌خواهد که با لغو قوانینی که افراد را به دلیل گرایش جنسی (Sexual orientation) یا هویت جنسی (Gender identity) آنان مجازات می‌کند، از آنان حمایت به‌عمل آورد (A/HRC/37/68). پرسشی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که مبنای استنادی گزارشگر ویژه در مورد آزادی افراد در انتخاب رویکرد جنسی چیست؟ طرف‌داران این رویکرد با تفسیر موسعی که از اصل عدم تبعیض، اصل تساوی و مفهوم خانواده موجود در منشور حقوق

بین‌الملل بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین) ارائه می‌دهند، در صدد توجیه رویکرد خود بر می‌آیند. این‌گونه عنوان می‌شود که مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین، کرامت ذاتی و حقوق برابر و مسلم همه اعضای خانواده بشری به‌عنوان مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان را شناسایی می‌کند و هر نوع تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و ... و یا هر وضعیت دیگر (or other status) را منع می‌کند. البته تفسیر ارائه‌شده برای تضمین حقوق اقلیت‌های جنسی از دیدگاه طرف‌داران، محدود به اسناد یادشده نیست و آن را به‌عنوان یک اصل کلی مستظهر به سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر یعنی کنوانسیون ملل متحد در مورد حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، منشور افریقایی حقوق بشر و مردمان، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر می‌دانند (Mittelstaedt, 2008, p. 336). در این دیدگاه، تعریف خانواده نیز از آنچه که نخست در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در نظر بوده، گسترده‌تر مطرح شده است و محدود به خانواده، مرکب از زن، شوهر و فرزندان (Hetero-sexual) نیست و می‌تواند به نهاد ترکیب‌یافته از همجنسان (Homo-sexual) نیز اطلاق یابد (Banda & Eekelaar, 2017, p. 836).

رویه قضایی بین‌المللی نیز در آرای صادرشده حاکی از اتخاذ چنین رویکردی است. آخرین مورد مربوط به نظریه مشورتی دیوان امریکایی حقوق بشر (Inter-American Court of Human Rights) در مورد هویت جنسی، تساوی و عدم تبعیض زوجین با جنسیت یکسان است. برابر این نظریه مشورتی، دیوان امریکایی ضمن شناسایی اقلیت‌های جنسی به تعمیم حمایت‌های مندرج در کنوانسیون امریکایی حقوق بشر به این گروه از افراد می‌پردازد (Contesse, 2018). تاکنون این رویکرد منحصر به دولت‌های اروپایی و امریکایی بوده و در میان دولت‌های افریقایی و آسیایی که نهاد خانواده در جوامع آن‌ها منطبق با سنت‌های دینی و حقوق طبیعی است، اغلب با مخالفت جدی روبرو شده است و به تعبیر غربی‌ها در ادبیات حاکمیتی این جوامع نوعی فرهنگ هراس از همجنس‌گرایی (Homophobic) تبلور دارد که ریشه در آداب و سنن جوامع آن‌ها دارد (Maguire, 2004, p. 3).^۱ به هر ترتیب، نقدهای گزارشگران ویژه در زمینه وضعیت اقلیت‌های جنسی در ایران چالشی مبنایی در نظام حقوقی این کشور تلقی می‌شود و نمی‌توان انتظار داشت که این نظام حقوقی بتواند خود را با خواسته‌های گزارشگران منطبق نماید. چراکه از دید گزارشگران، حقوقی که این گروه از

۱. نخستین کشوری که در سال ۲۰۰۱ م رابطه میان دو همجنس را با عنوان «زدواج» و متمایز از دیگر قالب‌های مشروعیت‌بخش به روابط همجنسان به رسمیت شناخت، هلند بود و آخرین کشور آلمان است که در آغاز تابستان ۲۰۱۷ م نمایندگان مجلس آن با ۳۹۳ رأی مثبت در برابر ۲۲۶ رأی منفی و ۴ رأی ممتنع، قانونی شدن ازدواج همجنس‌گرایان را تصویب کردند (دادمرزی، ۱۳۹۴، ص ۲۰-۱۹).

اقلیت‌ها باید از آن برخوردار شوند برگرفته از حق‌های بشری است که مربوط به تمام انسان‌ها در تمام اعصار است که به لحاظ تحلیل فلسفی ناظر بر قوانین انسان‌گرایانه و انسان‌محورانه است؛ در حالی که در جمهوری اسلامی ایران استناد به کلمه نهایی اسلام و رجوع به قانون اسلام بازنمایی متفاوتی از موضوع را در پی دارد (ارغوانی پیر سلامی و دهقان، ۱۳۹۵، ص ۳۷).

دیدگاه غربی در تسری حمایت از اقلیت‌های جنسی به تبعیت آنان از تئوری جهان‌شمولی دوزره حقوق بشر است. به این معنا که ارزش‌های حقوق بشری منطبق با تفسیر آنان گرچه به عنوان معیار حقیقت نیست، ولی از آنجا که حکایت از واقعیت برتری دیدگاه لیبرالی دارد باید همه دولت‌ها به عنوان معیار از آن تبعیت کنند. نقطه مقابل این تئوری نیز دیدگاهی است که به شدت طرفدار نسبیت حقوق بشری است و آن را نه در سطح جهانی، بلکه فقط در سطح و محدوده‌های یکسان فرهنگی قابل اعمال و اجرا می‌داند (ذاکریان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷). ایران با امضای اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیوستن به عهدنامه‌های مختلف حقوق بشری به تأیید جهان‌شمولی حق‌های بشری پرداخته است. در عین حال با اعمال حق شرط به برخی از کنوانسیون‌ها که همه آن‌ها به طور اجمال به این مطلب اشاره دارند که مفاد کنوانسیون‌ها در صورت مغایرت با شرع یا قانون داخلی اجرا نمی‌شود (طباطبایی حصارى و آذری، همان، ص ۹)، در پی عدول از اطلاق جهان‌شمولی برخی از حق‌های بشری بر آمده است. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران ضمن تأیید جهان‌شمولی حمایت‌های حقوق بشری در پی برشمردن موضوعات و محتوای حق‌های مورد حمایت بر مبنای نسبی‌گرایی است. چنین رویکردی منحصر به ایران نبوده و از سوی دیگر دولت‌های اسلامی یا دولتهایی که نظام حقوقی آن‌ها متأثر از صبغه فرهنگی‌شان است نیز دیده می‌شود. تنها گروهی از اقلیت‌های جنسی که در نظام حقوقی ایران به طور ضمنی شناسایی شده است، اقلیت‌های منتسب به گروه ترنس سکسوال‌ها هستند. مبنای شناسایی این گروه نیز در فتاوی امام خمینی (ره) و برخی از فقه‌های دیگر آمده است. برخلاف فقهایی که قائل به حرمت تغییر جنسیت هستند، امام خمینی با استناد به اصل حلیت و قاعده‌های تسلیط و اضطرار بر جواز مطلق این عمل قائل شده است^۱. باین حال به نظر می‌رسد تنها عاملی که می‌توان این جواز را در کنار آن تصور نمود، وجود منفعت عقلایی است، چرا که آن را با واقعیت‌های پزشکی انطباق می‌دهد. بر این اساس در بیشتر نظام‌های حقوقی و نیز طبق نظر مشهور فقها، تغییر جنسیت در صورتی که از لحاظ پزشکی ضروری تشخیص داده شود، مجاز است (اصغری آق‌مشهدی و عبدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵). با وجود بررسی‌های گسترده صورت گرفته در فقه در زمینه تغییر جنسیت، قانون‌گذار هنوز در خصوص تغییر جنسیت ساکت

۱. در خصوص امکان تغییر جنسیت سه نظریه مطرح شده است: ۱. ممنوعیت مطلق ۲. جواز مطلق ۳. نظریه مشروعیت مشروط. نظریه مورد پذیرش طبق نظر مشهور فقها به این مورد تعلق دارد.

است و صرفاً بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب اول اسفند ۱۳۹۱ به تعیین صلاحیت دادگاه‌های خانواده در دعاوی تغییر جنسیت اشاره دارد که ظاهراً بر جواز تغییر جنسیت دلالت می‌کند؛ هرچند مقررۀ قانونی خاصی وجود ندارد (رضایی فومنی و آیتی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴). گرچه جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی پس از فتوای تاریخی امام خمینی (ره) تاکنون قدم‌های مثبت و مؤثری را در جهت احراز جایگاه واقعی و حقوقی گروه ترنس سکشوال‌ها برداشته است، باین حال سکوت قانون در این خصوص می‌تواند به تفاسیر متضاد و مختلف و برخوردهای سلیقه‌ای با این مقوله منجر شود (عباسی سرمدی و هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۴۵). در خصوص سایر گروه‌های اقلیت‌های جنسی، جمهوری اسلامی ایران پدیده وضعیت‌های جنسی غیرمعمول را با عنایت به لزوم رعایت اصول اسلامی، عدم تفتیش روابط خصوصی افراد، حفظ کیان خانواده، تقدس پیوند ازدواج و لزوم حفظ اخلاق عمومی در نظر دارد.

چالش‌های ناشی از سوء اجرای قانون اساسی؛ امکان انطباق

۱. طرح بحث

وضعیت اقلیت‌های قومی مبتلا به اغلب کشورهای جهان است و از این رو است که در حقوق بین‌الملل نیز توجه ویژه‌ای به حقوق اقلیت‌های قومی می‌شود و اسناد متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای به این موضوع پرداخته است. کشور چاد در شمال افریقای مرکزی با جمعیت ۸ میلیون نفر بیش از ۱۰۰ گروه قومی را در خود جای داده است یا در کشور توگو مردم به بیش از ۳۷ زبان مختلف سخن می‌گویند. آرژانتین، هائیتی و جزایر کومور در رأس کشورهای قرار دارند که از تنوع قومیتی کمتری برخوردارند (Morin, 2013). ایران نیز در جرگه کشورهای قرار دارد که تعداد قابل توجهی از قومیت‌های مختلف در آن به سر می‌برند. گزارشگران ویژه نیز در گزارش‌های خود، به این موضوع توجه نموده و از ابعاد مختلف به آن پرداخته‌اند که اهم آن را می‌توان در دو عنوان کلی بررسی کرد: حقوق سیاسی و مدنی اقلیت‌های قومی؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان.

۲. حقوق سیاسی و مدنی اقلیت‌های قومی

از مؤلفه‌های مهم در بررسی حقوق اقلیت‌ها در نظام حقوقی یک کشور پرداختن به وجود یا فقدان زمینه‌های اعمال تبعیض نسبت به اقلیت مورد نظر در آن نظام است که در گام نخست مستلزم نائل آمدن به مفهوم اقلیت می‌باشد که منشأ اختلاف نظرهای زیادی است (پروین و سپهریفر، ۱۳۹۳، ص ۷۴) و اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز ضمن اشاره به حقوق اقلیت‌ها به ارائه تعریفی

از آن نپرداخته‌اند. آنچه که به‌عنوان معیار تعیین اقلیت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و از درجه پذیرش بالایی برخوردار باشد، اندازه‌ای است که یک گروه اقلیت با ویژگی‌های عینی متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی که برای حفاظت از آن احساس همبستگی دارند، قدرت حاکمه در اعمال از آن برخوردار است (عزیزی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴). با اعمال این معیار است که چه‌بسا گروهی که از کثرت عددی برخوردار است به دلیل عدم شرکت در اعمال حاکمیتی در موضع اقلیت قرار بگیرد و تبعیض ناروا در مورد آنان به‌اجرا گذارده شود. به عبارت دیگر در تعیین گروه اقلیت به دو معیار باید توجه نمود؛ نخست، وجود گروهی از مردم با ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی و زبانی و دوم، تأثیرگذاری اندک یا عدم تأثیرگذاری آنان در اعمال حاکمیتی.

گزارشگران ویژه در خصوص اقلیت‌های قومی ایران مدعی اعمال تبعیض در ابعاد مختلف حیات عمومی و آزادی‌های آنان هستند و بر این مینا از دولت می‌خواهند تا ضمن تسامح، از وقوع تبعیض‌های ذکرشده جلوگیری به‌عمل آورد (A/67/369).

بر اساس داده‌های موجود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق قومیت‌های مختلف به چشم یکسان نگریسته شده است و همه آنان تحت عنوان ملت ایران گرد هم آمده‌اند. اصل ۱۹ قانون اساسی مبین چنین دیدگاهی است که مقرر می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». وجود چنین اصلی در قانون اساسی بیانگر این موضوع است که در نظام حقوقی ایران ملاک و معیار ملی بر ملاک و معیار قومی اولویت دارد، به‌طوری‌که در آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران نیز نمی‌توان نشانی از قومیت به‌عنوان مبنایی برای شناسایی و تفکیک اتباع ایران یافت (کریمی و فضائی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۰). نتایج حاصل از اتخاذ چنین رویکردی در قانون اساسی ج.ا. ایران این است که اولاً جامعه ایران یک جامعه ملی است و ثانیاً برای بهره‌مندی یکسان همه قومیت‌های موجود در ایران از حقوق سیاسی و مدنی اصولاً مانع قانونی وجود ندارد؛ مگر اینکه اقلیت قومی به یک اقلیت مضاعفی نیز موصوف گردد و آن وصف مذهبی است. زیرا در نظام سیاسی حقوقی ایران، دین اسلام و مذهب تشیع دوازده امامی مبنای قرار گرفته و بر همین اساس است که شاهد اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران هستیم (همان، ص ۲۳۱).

از دیگر حقوقی که در گزارش‌های گزارشگران به آن اشاره شده و در این قسمت امکان بررسی دارد، حق اقلیت‌های قومی در استفاده از زبان مادری در تحصیل است. گزارشگر ویژه مدعی است که حقوق زبانی (Linguistic rights) در تحصیل به‌طور کافی رعایت نشده است (A/69/356) و در برخی موارد حتی از گزارش‌های رسیده اعمال محدودیت را استنباط می‌کند (A/HRC/22/56). در خصوص مبانی توجیهی لزوم توجه به حقوق زبانی در حقوق بین‌الملل به این نکته تأکید می‌شود که زبان از عناصر اصلی در ایجاد هویت شخصی محسوب می‌شود و از این‌رو است که

فراهم ساختن زمینه‌های فرهنگی و زبانی امن و حمایت‌کننده، می‌تواند در توسعه هویت شخصی افراد تأثیر بسزایی داشته باشد. این زمینه به‌طور طبیعی برای اکثریت زبانی فراهم شده و در مورد اقلیت‌های زبانی مستلزم حمایت است (Dunbar, 2001, p. 93). در گزارشی که کارشناس مستقل سازمان ملل در امور اقلیت‌ها در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲ برای ارائه به نشست بیست و دوم شورای حقوق بشر ملل متحد فراهم آورده بود، برآورده کردن حقوق اقلیت‌ها از جمله حقوق زبانی آن‌ها یکی از ابزارهای اساسی برای جلوگیری از بروز تنش داخلی و یکی از عناصر کلیدی حکمرانی مطلوب دانسته شده است (آفتاب، ۱۳۹۲، ص ۶). چارچوب حقوقی بین‌المللی در حمایت از حقوق اقلیت‌های زبانی به این ترتیب است:

ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی را که متعلق به این اقلیت‌ها هستند نباید از حق اجتماعات با اعضای گروه خود و بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرايض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان محروم کرد.

ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: کودکان متعلق به اقلیت‌ها حق دارند از زبان خودشان استفاده کنند.

بند ۱ ماده ۱ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی: دولت‌ها باید از بقا و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین‌های خود حمایت و ایجاد شرایط برای ترویج این هویت را تشویق کنند.

از مقررات قابل توجه دیگر مرتبط با بحث در این اعلامیه، مقرر مندرج در بند ۳ ماده ۴ است که این‌گونه اشعار می‌دارد: دولت‌ها باید در حد امکانات، تدابیر خاصی اتخاذ کنند تا افراد متعلق به اقلیت‌ها امکان یادگیری زبان مادری یا کسب آموزش به زبان مادری خود را داشته باشند. در زمینه حقوق زبانی اقلیت‌ها دو نکته در قالب اسناد بین‌المللی یادشده قابل استنباط است: نخست اینکه در قالب اسناد الزام‌آور، حقوق زبانی اقلیت‌ها، حق‌های منفی در نظر گرفته شده‌اند که لازمه آن‌ها عدم مداخله دولت‌ها است؛ به این معنا که دولت‌ها نباید با وضع قوانین یا با اعمال محدودیت‌های عملی برای استفاده اقلیت‌ها از زبان خودشان ممانعت ایجاد کنند. دیگر اینکه در قالب اعلامیه، حق‌های زبانی به شکل حق‌های مثبت جلوه‌گر شده که مستلزم مداخله ایجابی دولت‌ها است.

اصل ۱۵ قانون اساسی ج.ا.ایران در کنار اعلام اینکه زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است، به آزادی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس تأکید کرده است. وجود این اصل در قانون اساسی به‌خوبی در انطباق با ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است و حتی

در تدوین از منطوق این ماده نیز پیش تر رفته و توانسته است روح حاکم بر ماده ۲۷ میثاق را تأمین کند.

کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی ۲۳ مربوط به ماده ۲۷ میثاق با اشاره به طرز بیان منفی ماده این گونه توضیح می دهد که «گرچه ماده ۲۷^۱ با عبارات منفی تدوین یافته است، ولی این ماده وجود یک «حق» را شناسایی کرده و مستلزم این است که نادیده انگاشته نشود. در نتیجه دول عضو متعهد به تضمین حمایت از وجود و اجرای این حق در برابر انکار و نقض آن‌ها هستند» (CCPR/C/21/Rev.1/Add.5). بنابراین همان طور که پیش تر اشاره شد، اگرچه ظاهر ماده ۲۷ بیانگر منفی بودن حقوق زبانی است، ولی با توجه به اینکه حمایت از این حقوق لازمه تضمین آن‌ها است، مستلزم تعهدات مثبت دولت‌ها می باشد و دولت‌ها باید اقدامات مثبتی (Positive measures) را در این راستا انجام دهند. کمیته در ادامه تفسیر خود بر این ماده ادامه می دهد: «... در راستای حمایت از هویت اقلیت‌ها و حقوق اعضای آن در بهره‌مندی و توسعه فرهنگ و زبان خود ممکن است حمایت دولت ضروری باشد» (CCPR/C/21/Rev.1/Add.5). گرچه ج.ا.ایران با توجهی که به اصل ۱۵ قانون اساسی داشته، اقدامات مثبتی نظیر تأسیس شبکه‌های تلویزیونی، نشر روزنامه و مجلات به زبان اقوام مختلف را انجام داده است، باین حال هنوز امر آموزش رسمی زبان مادری و تحصیل به زبان مادری میسر نشده است.

۳. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقلیت‌های قومی

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان بخشی از حق‌های بشری هستند که در کنار حقوق سیاسی و مدنی لازم و ملزوم یکدیگرند. شاید از همین رو است که گفته می شود که همه حق‌های بشری یکپارچه‌اند. امروزه افزون بر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قوانین اساسی بیشتر دولت‌ها از جمله ج.ا.ایران به تعیین محتوای این حق‌های بشری پرداخته‌اند. گزارشگران ویژه در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقلیت‌های قومی ایران نیز به وجود برخی کمبودها اشاره کرده‌اند که درصد بالای فقر و بی‌سوادی در برخی از مناطق مرزی مانند سیستان و بلوچستان و کولبری در کردستان از آن دسته‌اند. قانون اساسی ج.ا.ایران با الگو گرفتن از اقتصاد مختلط و دولت رفاه که در دوره بعد از جنگ دوم جهانی در کشورهای پیشرفته صنعتی پا گرفت، تنظیم شده است. هرچند از تعاونی‌ها و بخش خصوصی به‌عنوان بازیگران اقتصادی در کنار دولت یاد می شود، اما نقش دولت در مقابله با فقر و نابرابری

۱. افرادی را که متعلق به این اقلیت‌ها هستند نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرايض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان محروم کرد.

اقتصادی پررنگ‌تر است (بینام، ۱۳۹۷). از این رو، قانون اساسی در برخی از اصول به‌طور مستقیم و در برخی نیز به‌طور غیرمستقیم به رفع فقر و تأمین رفاه ملت پرداخته است. اصول سوم، بیست و هشتم، بیست و نهم، سی و یکم، و چهل و سوم از جمله اصولی هستند که موضوعات اقتصادی و تکالیف دولت در زمینه رفع فقر را ترسیم نموده‌اند. از این اصول چنین بر می‌آید که برخلاف برخی حقوق سیاسی و مدنی که امکان تبعیض به‌موجب قانون اساسی وجود دارد، در نگاه دولت در بسترسازی، رشد و توسعه‌بخشی به رونق اقتصادی مناطق مختلف کشور نباید عامل قومیت‌مدخلیتی داشته باشد و وظیفه دولت است که در این زمینه به صورت عادلانه رفتار کند. اگرچه توجه به این نکته ضروری است که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماهیتی متفاوت با حقوق سیاسی و مدنی دارند و ویژگی‌هایی چون ایجابی و هزینه‌بر بودن، و وابستگی به امکانات، تدریجی و برنامه‌ای و نیز مبهم بودن حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از عوامل تمایز آن‌ها از حق‌های سیاسی و مدنی برشمرده شده است، با این حال نمی‌توان با استناد به این موارد شکاف‌های به‌وجودآمده در توسعه‌نیافتگی برخی از استان‌ها را توجیه کرد و ضروری است که دولت با توجه به وظایف مقرر در قانون اساسی بر تلاش خود در این خصوص بیفزاید. چراکه با وجود اقدامات به‌عمل‌آمده همچنان آمارهای ارائه‌شده در مورد وضعیت ساکنان آن استان و برخی استان‌های مرزی دیگر قابل تأمل است و طبعاً این موضوعات دستاویز دیگران قرار خواهد گرفت^۱. بدیهی است با افزایش اشتغال و برقراری امکان تجارت در مناطق مرزی، ساکنان آن که سالیان سال در حراست از مرزها کوشیده‌اند، خواهند توانست به‌جای روی آوردن به قاچاق کالا، سوخت و مواد مخدر، در رشد و پویایی اقتصاد کشور تأثیر بسزایی داشته باشند.

چالش‌های ناشی از نقص قوانین عادی؛ امکان انطباق

۱. طرح بحث

از موارد برجسته‌ای که در گزارش‌های گزارشگران جلب توجه می‌کند اشاراتی است که به محکومیت‌هایی تحت قوانین عادی شده است. تحلیل این قسمت از این جهت اهمیت دارد که باعث روشن شدن ابعاد مختلف این قوانین می‌شود و در صورت امکان کمک می‌کند تا نارسایی‌های موجود در برخی قوانین به‌خوبی نمایانده شود. به فراخور بحث، دو عنوان جرایم مرتبط با امنیت ملی و جرایم مرتبط با مواد مخدر برگزیده شده‌اند.

۱. نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی در خصوص وضعیت معیشتی مردم این استان این‌گونه اظهار نظر کرده است که حدود ۸۰ درصد مردم این استان زیر خط فقر قرار دارند (بینام، Iranian Labour News Agency, 1396).

۲. جرایم مرتبط با امنیت ملی

ردّ پای این عنوان مجرمانه در همه بخش‌های گزارش، چه مواردی که در تعارض با قانون اساسی هستند و چه در موارد تعارض با قوانین عادی، به خوبی مشهود است و گزارشگران از این عنوان و احکام صادره تحت آن در جهت تهیه گزارش‌های خود بسیار استفاده کرده‌اند. امنیت از موضوعات اساسی است که همه دولت‌ها ناگزیر از توجه به آن هستند. معمولاً از دو بُعد خارجی و داخلی به مقوله امنیت نگریسته می‌شود. در بُعد خارجی عمدتاً این قانون اساسی است که به تدوین مقررات مربوطه و تأسیس نهادهای مرتبط با موضوع پرداخته است. در بُعد داخلی و در چارچوب نظام حقوق کیفری این قانون مجازات اسلامی است که باید به تعریف و تعیین جرایم علیه امنیت ملی و مجازات‌های مربوطه بپردازد. از این جهت موضوع جرایم علیه امنیت ملی مورد توجه نهادهای بین‌المللی حقوق بشری است که اساساً رابطه فرد و دولت به خوبی در آن متجلی است. ردّ پای امنیت و ضمانت اجرای کیفری آن در بسیاری از قوانین دیده می‌شود. برای مثال در مجازات‌های محاربه و بغی و جرایم مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی گرفته تا قوانین متفرقه سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۴۹ و ۱۳۳۶ ش راجع به اخلاک‌گران در امنیت صنایع، همه این قوانین به نوعی جلوه‌های امنیت را در حقوق کیفری کشورمان نشان می‌دهند. با این حال هیچ‌کدام تعریفی از امنیت را یادآور نشده‌اند. حقوق دانان نیز ضمن بررسی موضوع از ابعاد مختلف، مفهوم آن را به مثابه یک معما دانسته‌اند (علیزاده سرشت و کوشکی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶-۱۰۵). اما مفهوم امنیت از دیدگاه این مقاله با توجه به مدخلیت موضوع حقوق بشر در آن دارای دو عنصر اساسی است؛ نخست، فرد و دوم، حاکمیت. لذا امنیت را می‌توان به این نحو تعریف کرد: ایمنی فرد در اجرای حق‌های خود و وظیفه حاکمیت در صیانت از شالوده و موجودیت خود. با در نظر گرفتن این دو عنصر به مقوله جرایم علیه امنیت ملی می‌پردازیم. همان‌طور که گفته شد، در زمینه مفهوم امنیت تشتت بسیاری میان مؤلفان وجود دارد. همین وضعیت را در قوانین کیفری کشور نیز ملاحظه می‌کنیم. نخستین مورد که در بررسی قانون مجازات اسلامی خودنمایی می‌کند، این است که با وجود انتخاب عنوان جرایم علیه امنیت برای فصل اول کتاب تعزیرات، جرایم مندرج در فصول دوم و سوم تحت عناوین اهانت به مقدسات و سوء قصد به مقامات نیز به این عنوان مجرمانه کلی ارتباط دارد و باعث توسعه دامنه این عنوان مجرمانه در قانون شده است. فصل نهم کتاب حدود نیز با عنوان بغی و افساد فی الارض در قسمتی مربوط به مصادیقی از جرایم علیه امنیت است (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵، ص ۶۱).

دومین مورد که در خصوص جرایم علیه امنیت به شدت محسوس است، کلی‌گویی و مشخص نبودن مصادیق راجع به این جرایم است. وجود چنین ابهاماتی به زیر سؤال رفتن اصل پایه‌ای نظام حقوق کیفری یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات منجر می‌شود، چراکه ابهام

در قانون عامل اصلی توسعه دامنۀ جرم است. نمونه‌های این امر را در مواد مختلف مربوط به جرایم امنیتی می‌توان ملاحظه نمود. برای مثال در ماده ۵۰۸ ق.م.ا. صحبت از جرمی با عنوان همکاری با دشمن است، اما همکاری یعنی چه و مصادیق آن کدام است؟ ظاهراً قانون‌گذار با آوردن این قید به دنبال توسعه دامنۀ جرم بوده است. مورد دیگر به ابهام در عنصر مادی جرم سوءقصد به جان مقامات مربوط می‌شود. مواد ۵۱۵ و ۵۱۶ به جرم‌انگاری سوءقصد به جان مقامات پرداخته، اما سوءقصد ناظر به چه رفتاری است؟ حداقل و حداکثر عملی که یک فرد می‌تواند انجام دهد تا در این عنوان قرار گیرد چیست؟ (همان، ص ۶۶). ابهامات در ابعاد دیگر جرایم علیه امنیت نیز قابل مشاهده است که بررسی هر کدام مجال خاصی می‌طلبد.

سومین عامل مؤثر در برجسته شدن جرایم علیه امنیت در گزارش‌های گزارشگران عدم تعریف جرم سیاسی بود. این عامل موجب می‌شد بسیاری از جرم‌های ارتكابی تحت عنوان مجرمانۀ جرایم علیه امنیت قرار بگیرند. با تصویب قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ امید است با اجرای آن، محکومان به جرایم علیه امنیت ملی کاهش یابند.

۳. جرایم مرتبط با مواد مخدر

گزارشگران ویژه مجازات اعدام برای مرتکبان این جرایم را مورد انتقاد قرار داده، معتقدند چنین مجازات سنگینی با جرم تناسب ندارد و تقریباً نصف مجازات‌های اعدام صادره از سوی محاکم ایران در ارتباط با این جرایم هستند (A/HRC/28/70, A/HRC/31/69). میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۲ ماده ۶ مقرر می‌دارد: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، حکم اعدام فقط باید برای مهم‌ترین جرایم، آن‌هم بنابر قانون لازم‌الاجراء در زمان ارتکاب جرم صادر شود و (نیز این حکم) نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی منافات داشته باشد». کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۱ در مورد ماده ۶ و عبارت «مهم‌ترین جرایم» بیان می‌دارد که این عبارت «باید به صورت محدود تفسیر شود و صرفاً به جرایم با شدت بالا مانند قتل عمد (Intentional killing) محدود گردد. جرایمی که مستقیماً و تعمداً به قتل منجر نمی‌شوند مانند جرایم [مرتبط با] مواد مخدر، شروع به جرم قتل (Attempted murder)، فساد و دیگر جرایم اقتصادی و سیاسی، سرقت مسلحانه، دزدی دریایی، آدم‌ربایی و جرایم جنسی هرگز در چارچوب ماده ۶ قابل توجیه نیستند» (General Comment No: 31, Para 39).

معاهداتی که عناوین اقدامات مرتبط با مواد مخدر را که باید جرم‌انگاری شوند مورد توجه قرار داده‌اند، عبارت‌اند از: کنوانسیون بین‌المللی مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان یعنی کنوانسیون ۱۹۶۱م در مورد مواد مخدر (و پروتکل اصلاحی ۱۹۷۲م)، کنوانسیون مواد

روان‌گردان سال ۱۹۷۱م و کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق داروهای مخدر و مواد روان‌گردان ۱۹۸۸م، که دولت ایران کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۸۸م را امضا و تصویب کرده است (علیزاده، ۱۳۹۳، ص ۷۳). قانون‌گذار ایران بعد از انقلاب اسلامی در راه مبارزه با مواد مخدر دو دوره عمده را تجربه کرده است: نخست، دوره عدم تناسب بین جرایم مواد مخدر و مجازات‌های مقرر، و دوم، دوره متناسب‌سازی که در سال‌های اخیر سیاست کیفری دولت ایران بر آن پایه گذاری شده است. در سایه اقدامات اخیر در جهت کاستن از مجازات اعدام مربوط به جرایم ناشی از مواد مخدر، ادبیات گزارشگر ویژه نیز در این مورد ملایم‌تر شده است (A/HRC/3768). دوره نخست که تا سال ۱۳۹۶ش ادامه داشت، سیاست جنایی تقنینی عمدتاً مبتنی بر شدت مجازات‌ها نظیر اعدام، حبس ابد و دادرسی افتراقی غیرعادلانه بود. قانون‌گذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازات‌های سنگین و شدید، سیاست جنایی تسامح صفر (Zero Tolerance) یا بدون تسامح را درپیش گرفته بود (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۰). در دوره دوم که عنوان متناسب‌سازی برای آن در نظر گرفته شده است، با تغییرات به‌عمل آمده در مجازات‌ها بر اساس اصلاحیه ۱۳۹۶ قانون مبارزه با مواد مخدر، انتظار می‌رود تعداد قابل‌توجهی از زندانیان در صف اعدام از این مجازات رهایی یابند. برابر اصلاحیه اخیر، هدف و تمرکز قانون بر مقابله با سرکردگان باندهای قاچاق و عوامل اصلی توزیع مواد مخدر در کشور است. از این‌رو، مجازات اعدام همچنان برای سردستگان باندهای قاچاق، سوءاستفاده‌کنندگان از افراد زیر ۱۸ سال برای توزیع مواد مخدر و قاچاقچیان مسلح وجود خواهد داشت. با این اوصاف و با در نظر گرفتن تفسیر عمومی شماره ۳۱ در مورد ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، گرچه از نقدهای گزارشگر ویژه بر اعدام‌های ناشی از جرایم مرتبط با مواد مخدر کاسته خواهد شد، ولی مسلماً به حذف این مورد در گزارش‌ها منجر نخواهد شد.

نتیجه

چالش‌های متوجه نظام حقوقی ایران را که در گزارش‌های گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر وجود دارد می‌توان در سه دسته کلی بررسی کرد. شاید مهم‌ترین چالش‌ها متوجه محتوای حق‌هایی باشد که در نظام بین‌الملل حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است، ولی به دلیل تعارض و عدم امکان انطباق با مبانی ایدئولوژیک و اسلامی نظام حقوقی ایران نتوان آن‌ها را در این چارچوب شناسایی کرد. در واقع، این تعارض بنیادین حکایت از چالش نسبیت فرهنگی در برابر جهان‌شمولی حقوق بشر دارد. ایران با تصویب اسناد مختلف حقوق بشر ضمن تأیید اصل جهان‌شمولی حقوق بشر، با اعمال حق شرط در کنوانسیون‌های بین‌المللی همواره بر نسبیت

تأکید نموده است. از این رو در بیشتر موارد این تعارضات مبنایی به آسانی قابل حل نخواهد بود. باین حال تصویب قوانین عادی در راستای اسناد حقوق بشری و سعی در انطباق آن‌ها با این اسناد، موجبات حساسیت‌زدایی نهادهای بین‌المللی را فراهم آورده است. بیشترین تأثیر در این زمینه را می‌توان در اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ملاحظه کرد. هرچند مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر کاملاً حذف نشده است، اما با کاهش موارد آن، از دامنه نقدهای مطرح در گزارش‌های گزارشگران ویژه و نیز در بررسی گزارش دوره‌ای ایران در شورای حقوق بشر کاسته خواهد شد. موضوع اقلیت‌ها نیز که یکی از محورهای گزارش‌های حقوق بشری در مورد ایران است، به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق مدنی و سیاسی میان قومیت‌های ایران سیاست عدم تبعیض جاری است، مگر در مورد اقلیت قومی غیرشیعی که سیاست عدم تبعیض در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیش از حوزه حقوق مدنی و سیاسی درباره آن‌ها وجود دارد. بر این اساس، سعی دولت بیشتر باید در رفع فقر و محرومیت‌زدایی در این زمینه باشد و به تحقق حق‌های مندرج در اصول قانون اساسی بیشتر از پیش توجه کند. جامعه عمل پوشاندن بر حقوق تصریح‌شده ملت در قانون اساسی از دیگر مواردی است که دولت باید با در نظر گرفتن امکانات به آن‌ها بپردازد. بنابراین گرچه در بیشتر موارد گزارش‌های گزارشگران ویژه غیرمنصفانه و سیاسی است، ولی در برخی موارد نیز کم‌کاری و کم‌توجهی در امر قانون‌گذاری و نیز عدم تضمین و اجرای حق‌ها موجبات دستاویز قرار گرفتن آن‌ها از سوی این گزارشگران شده است.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

۱. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۹۰)، «حقوق بشر در جهان معاصر»، دفتر یکم، تهران: شهر دانش.
۲. عزیزی، ستار (۱۳۸۵)، «حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل»، همدان: نور علم.
۳. آفتاب، محمدرضا (۱۳۹۲)، «حقوق اقلیت‌های زبانی» تهران: امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران.
۴. آقایی، سید داود (۱۳۸۲)، «کارنامه کمیسیون حقوق بشر درباره ایران (پس از پیروزی انقلاب اسلامی)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۰.
۵. آقمشهدی، فخرالدین و عبدی، یاسر (۱۳۹۰)، «وضعیت فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، مجله فقه و حقوق اسلامی، سال اول، ش ۲.

۶. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و دهقان، مجتبی (۱۳۹۵)، «قانون اساسی و حقوق بشر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ششم، ش ۲.
۷. اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳)، «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، ش ۲.
۸. امید، علی؛ پوربافرانی، حسن؛ پورعلی، ایمان (۱۳۹۵)، «مواجهه دو دیدگاه حقوقی: تحلیلی بر تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران با شورای حقوق بشر سازمان ملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۶۴، ش ۳.
۹. پروین، خیرالله و سپهریفر، سیما (۱۳۹۳)، «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی (با تأکید بر اماکن، دارایی‌ها و حقوق سیاسی)»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، ش ۶.
۱۰. دادمرزی، سید مهدی (۱۳۹۴)، «نقش اختلاف جنس متعاقبین در وقوع نکاح از دیدگاه حقوق داخلی و غربی»، مطالعات جنسیت و خانواده، سال سوم، ش ۲.
۱۱. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۹)، «ایران و جهانشمولی قواعد بنیادین حقوق بشر»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۳.
۱۲. ذاکریان، مهدی و مختاری، بهروز (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های حاکمیت مسئول و نقش گزارش‌گران حقوق بشر سازمان ملل در ترویج آن‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۸.
۱۳. ذاکریان، مهدی و مختاری، بهروز (۱۳۹۳)، «تحلیل عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سازوکار رویه‌های ویژه بر افزایش احترام به حقوق بشر»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ش ۶.
۱۴. رضایی فومنی، امیر و آیتی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «وضعیت تغییر جنسیت در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال هفتم، ش ۱۴.
۱۵. سودمندی، عبدالمجید و شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۱)، «گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ش ۴.
۱۶. طباطبایی حصار، نسرین و آذری، هاجر (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «چالش‌های نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، ش ۱.
۱۷. عباس‌زاده، مهدی و شجاعی، زهرا (۱۳۹۷)، «مقایسه عملکرد کمیسیون و شورای حقوق بشر در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، ش ۳.

۱۸. عباسی سرمدی، مهدی و هاشمی، سید رضا (پاییز ۱۳۹۲)، «حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران»، سال ششم، ش ۲۱.
۱۹. علیزاده، حمیده (۱۳۹۳)، «میزان انطباق جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران با اسناد بین‌المللی»، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره ۱، ش ۳.
۲۰. علیزاده سرشت، نادر و کوشکی، غلامحسین (پاییز ۱۳۹۴)، «نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، ش ۱۲.
۲۱. کرمی، موسی و فضائی، مصطفی (۱۳۹۶)، «اقلیت‌های قومی در ایران یا اقوام ایرانی؟ از نگاهی ژورنالیستی تا دیدگاهی حقوقی»، مجله مطالعات حقوقی شیراز، دوره ۹، ش ۳.
۲۲. محمدی، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی تعاملات جمهوری اسلامی ایران با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، از ۱۳۸۴ تا کنون»، نشریه حقوق بشر، ش ۱۹.
۲۳. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۵)، «تقابل امنیت فردی و ملی در جرایم علیه امنیت»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، ش ۱۴.
۲۴. بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «مذهب و حقوق بین‌الملل عموماً سازگارند»، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1965222>
۲۵. بینام: <https://www.ilna.ir -15/570556-2018/12/10>
۲۶. بینام، «جایگاه مقابله با فقر و نابرابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - بخش اول»، <https://www.farsnews.com/news/13970312001426/>
۲۷. «مواضع ایران درباره گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر»، قابل دسترسی در: <https://www.fardanews.com/fa/news/644033/> 2018/12/10

۲. خارجی

28. AlFaruqi, I. R (1983), "Islam and Human Rights", .Islamic Quarterly 27, no.1, p. 12-30.
29. American Society of International Law: accesible in: <https://www.asil.org/insights/volume/22/issue/9/inter-american-court-human-rights-advisory-opinion-gender-identity-and> 2018/12/10
30. Baderin, Mashood.A. (2009), "Religion and International Law: Friends or Foes ?"European Human Rights Law Review, Vol. P. 637-658.
31. Banda, Fareda, Eekelaar, John (2017), "International Conceptions of the Family", International and Comparative Law Quarterly, p.833-862.
32. Contesse, Jorge (2018), July 26 . "The Inter-American Court of Human Rights' Advisory Opinion on Gender Identity and Same-Sex Marriage ".September 12, 2018.

33. Dunbar, Robert (2009),"Minority Language Rights in International Law" .The International and Comparative Law Quarterly,Vol. 50, No. 1 , p. 90-120.
34. Freedman, Rosa, Mchangama, Jacob (2016),"Expanding or Diluting Human Rights?: The Proliferation of United Nations Special Procedures Mandates", HUMAN RIGHTS QUARTERLY, 38(1), p. 164-193.
35. Joanne R. Bauer, Daniel A. Bell (1999), "The East Asian Challenge for Human Rights", Cambridge University Press.
36. Limon, Marc, Power, Hilary, "History of the United Nations Special Procedures Mechanism Origins, Evolution and Reform , Universal Rights Group – Brookings Institution.
37. Maguire, Sebastian (2004), "The Human Rights of Sexual Minorities in Africa", California western international law journal, vol 35, number 1, P. 1-52.
38. Mayer, Ann Elizabeth (1994),"Universal Versus Islamic Human Rights: A Clash of Cultures or a Clash with a Construct ?", Michigan Journal of International Law, vol 15, Issue 2, 308-402.
39. Mittelstaedt, Emma,(2008),"Safeguarding the Rights of Sexual Minorities: The incremental and legal approaches to enforcing international human rights obligations", Chicago Journal of International Law, vol 9, number 1. P.353- 386.
40. Morin, R .2013 ,July 18, The most (and least) culturally diverse countries in the world, september 24, 2018, pew research center, accesible in:
<http://www.pewresearch.org/fact-tank/2013/07/18/the-most-and-least-culturally-diverse-countries-in-the-world/> 2018/12/10
41. A/HRC/RES/37/30
42. A/HRC/WG.6/20/IRN/1
43. A/HRC/37/68
44. A/HRC/22/56
45. A/67/369
46. A/69/356
47. A/HRC/37/68
48. A/HRC/28/70
49. A/HRC/31/69
50. CCPR/C/21/Rev.1/Add.5
51. CCPR/C/21/Rev.1/Add.13